



فاطمه زهرا (س) بانوی دو سرا به هنگام ظهور اسلام و پس از بعثت پدرش پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - و در آن هنگام که قیام حیاتبخش اسلام بتازگی ظهور نموده و بر پایگاههای پیروزی گام می گذاشت، چشم به این جهان گشود.

فاطمه - علیها السلام - یادگاری از همسر عزیز محمد - صلی الله علیه و آله - خدیجه کبری است، نخستین زنی بود که پیامبر - صلی الله علیه و آله - با وی ازدواج کرد و نیز اولین زنی بود که در آغاز بعثت آن حضرت به وی ایمان آورد. و آیین خدایش را به جان خرید. خدیجه با مال سرشار خویش پایه های اسلام را استوار ساخت و با فداکاریش در راه تحقق ندای توحید و اسلام، از هیچ فداکاری دریغ نرزد. رسول خدا - صلی الله علیه و آله - بر این فداکاری ارج نهاد و هیچ گاه او را از یاد نبرد.

به نقل مورخان شیعه فاطمه - علیها السلام - از چنین مادر بزرگواری سه و یا پنج سال بعد از بعثت پیامبر اکرم به دنیا آمد، اما اغلب مورخان اهل سنت ولادت آن بانوی دو سرا را پنج سال قبل از بعثت دانسته اند. به برخی از اقوال در این زمینه - از شیعه و اهل سنت - اشاره می کنیم:

۱ - مرحوم کلینی می نویسد: «فاطمه زهرا - علیها السلام - پنج سال پس از بعثت رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به دنیا آمد و ۷۵ روز پس از رحلت آن حضرت در سن هیجده سالگی از دنیا رفت.»

۲ - ابن شهر آشوب چنین می نویسد: «فاطمه زهرا - علیها السلام - پنج سال بعد از بعثت در بیستم جمادی الثانی متولد گردید که مصادف با سه سال پس از وقوع معراج بود. حضرت هشت سال همراه پدر گرامیش در مکه زیست و سپس به مدینه مهاجرت کرد. عمر شریفش در زمانی که پیامبر - صلی الله علیه و آله - از دنیا رفت، هجده سال و هفت ماه بود. بعد از رحلت پدرش ۷۲ یا ۷۵ روز بیشتر زندگی نکرد.» طبری در کتاب «دلایل الامامه» مرحوم مجلسی در بحار الانوار علامه اربلی در کشف الغمه قول فوق را در ولادت آن حضرت تایید کرده اند. روایاتی نیز در تایید این قول موجود است. به دلیل اختصار از نقل آنها خودداری می کنیم.

قول دیگر که از علمای اهل سنت نقل شده چنین است: «ولادت فاطمه زهرا پنج سال قبل از بعثت پیامبر اسلام بوده است. زمانی که خانه کعبه را سیل خراب کرد و قریش کعبه را بنا می نهاد.» [۵]

علت این که میلاد فاطمه - علیها السلام - را قبل از بعثت نقل کرده اند و تاریخ ولادت را تغییر داده اند، به نظر می رسد به دو منظور بوده است: ۱- فضایی که در ولادت فاطمه زهرا - علیها السلام - در روایات آمده است، خدشه دار کنند، ۲ - با نقل این تاریخ دروغین، می خواهند چنین جلوه دهند که فاطمه - علیها السلام - در سن هجده سالگی با علی ازدواج کرده است، و چنین نتیجه بگیرند که او دختری معمولی بوده و در خانه مانده بوده است و کسی برای ازدواج با او پیشقدم نمی شده است.

با تحریف تاریخ ولادت حضرت فاطمه - علیها السلام - این هدف را دنبال می کنند که هم سیده زنان را خفیف کنند و هم علی - علیه السلام - را که در این ازدواج از شان و منزلتی برخوردار شده است، سبک شمارند و این فضیلت را نادیده انگارند.

اما با استناد به روایات صحیح و تاریخ، این قول که ولادت آن بانوی بزرگوار قبل از بعثت بوده، باطل و بدون دلیل است، بلکه ولادت فاطمه زهرا - علیها السلام - پس از بعثت بوده است و با تشریفات و مقدمات خاصی نطفه این در گرانمایه منعقد شده و با حضور زنان بهشتی به دنیا آمده که بدان اشاره می کنیم.

انعقاد نطفه فاطمه - علیها السلام - از میوه بهشتی

ابوبکر بغدادی به سند خود از عایشه نقل می کند که گفت: «به رسول خدا عرض کردم: ای رسول خدا چرا وقتی فاطمه - علیها السلام - به حضور شما می رسد، او را می بوسی و زبانت را در دهان او می گذاری... فرمود:

«نعم یا عائشه! انی لما اسری بی الی السماء ادخلنی جبرئیل الجنه فناولنی منها تفاحه فاکلتها فصارت نطفه فی صلبی، فلما نزلت واقعت خدیجه ففاطمه من تلک النطفه، و هی حوراء انسیه، کلما اشتقت الی الجنه قبلتها، آری ای عایشه! هنگامی که به معراج رفتم جبرئیل مرا به بهشت برد و از سیب بهشتی به من داد و من خوردم و همان سیب تبدیل به نطفه ای در

صلب من شد و چون به زمین آمدم با خدیجه بودم که او فاطمه را حامله شد. فاطمه، حورای انسیه است. هر گاه مشتاق بهشت می شوم، دخترم فاطمه را می بوسم.»

علامه اخطب خوارزمی خبر فوق را با تفصیل بیشتر نقل می کند. و با این تفاوت که پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: «میوه ای از میوه های بهشت خوردم... و هر وقت به بوی بهشت مشتاق می شوم، فاطمه را استشمام می کنم...»

حاکم در مستدرک از سعد بن مالک نقل می کند که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود:

«اتانی جبرئیل بسفر جله من الجنه فاکلتها ليله اسرى بی فعلقت خدیجه بفاطمه فکنت اذا اشتقت الی راتحه الجنه شممت رقبه فاطمه، در آن شبی که به معراج برده شدم، جبرئیل یک گلابی از بهشت برایم آورد. آن را خوردم و خدیجه به فاطمه حامله شد، پس هر وقت مشتاق بوی بهشت می شوم، گردن فاطمه را می بویم.»

سخن گفتن فاطمه - علیها السلام - در رحم مادر

شیخ صدوق در امالی به سند خود از مفضل بن عمر روایت می کند که امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«هنگامی که خدیجه با رسول خدا ازدواج کرد، زنان مکه از وی کناره گیری کرده و رفت و آمد خود را با او قطع نمودند. خدیجه از این جهت غمگین گردید، تا اینکه به فاطمه - علیها السلام - حامله شد. این نوزاد در رحم با خدیجه سخن می گفت و خدیجه را دلداری می داد و خدیجه این مطلب را از پیامبر - صلی الله علیه و آله - پنهان می داشت، تا اینکه روزی حضرت وارد خانه شد و شنید که خدیجه با کسی سخن می گوید. پرسید: خدیجه با که سخن می گفتی؟ خدیجه پاسخ داد: جنینی که در شکم دارم با من سخن می گوید و همدم من است. پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: ای خدیجه! جبرئیل به من خبر می دهد که جنین در شکم تو دختر است و خدای تعالی نسل مرا از وی قرار می دهد و ائمه دین و پیشوایانی که خداوند پس از انقضای وحی، جانشینان خود در زمین قرار خواهد داد از نسل او هستند.»

چگونگی ولادت حضرت فاطمه (س)

هنگامی که وضع حمل فاطمه - علیها السلام - نزدیک شد، خدیجه کسی را به نزد زنان قریش فرستاد و از آنها خواست تا به خانه او آیند و هنگام ولادت فاطمه - علیها السلام - او را یاری دهند. زنان برای خدیجه پیغام دادند که تو به سخن ما گوش نکردی و با یتیم ابوطالب - که مالی نداشت - ازدواج کردی ما نیز به کمک تو نخواهیم آمد.

خدیجه از این پیغام غمگین شد و در حال غم و اندوه بسر می برد که ناگاه چهار زن گندمگون بلند قامت - همچون زنان بنی هاشم - را مشاهده کرد که وارد خانه شدند. خدیجه از دیدن ایشان نگران شد. یکی از آن چهار زن به سخن آمد و گفت: «ای خدیجه! نترس و محزون مباش که پروردگار تو ما را فرستاده و ما خواهران تو هستیم. من ساره هستم، این یک آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون) است که همدم تو در بهشت خواهد بود، و آن دیگر مریم دختر عمران و چهارمی کلثوم

خواهر موسی بن عمران است. خدای تعالی ما را فرستاد تا در وضع حمل تو را کمک دهیم. «آن گاه کمک کردند تا فاطمه - علیها السلام - به دنیا آمد.

نامگذاری فاطمه - - علیها السلام - -

یکی از مسائلی که در اسلام به آن اهمیت داده شده و حتی از حقوقی است که فرزند نسبت به پدر و مادر دارد، مساله انتخاب نام خوب برای فرزند است. لذا ما معتقدیم نامهایی که رسول خدا برای دخترش حضرت فاطمه - علیها السلام - گذاشت، بی دلیل نبوده و از معانی بلند برخوردار است. به اختصار به توضیح برخی از اسامی آن بانوی بزرگ اسلام می پردازیم:

فاطمه

طبق برخی از روایات، این نام از طرف خداوند انتخاب شده است: امام باقر - علیه السلام - می فرماید: «هنگامی که فاطمه - علیها السلام - متولد شد خدای تعالی به یکی از فرشتگان وحی فرمود به زمین برود و این نام را به زبان محمد بگذارد. و رسول خدا بدین ترتیب نام فاطمه را برای نوزاد تازه تولد یافته خود انتخاب کرد. سپس پروردگار عالمیان فرمود:

«انی فطمتک بالعلم و فطمتک من الطمث، ای فاطمه! من به وسیله علم شیر را از تو قطع کرده، و از آلودگیهای زنانگی تو را پاکیزه کردم.» آن گاه امام باقر - علیه السلام - در ادامه فرمودند: «و الله لقد فطمها الله بالعلم و عن الطمث فی الميثاق، و الله، خدای تبارک و تعالی این بانو را با علم بسیار از شیر گرفت و در میثاق او را از ناپاکیهای زنانگی باز داشت.»

برخی از روایات که از طریق شیعه و اهل سنت به دست ما رسیده است علت این نامگذاری را چنین بیان داشته است: ابوبکر احمد بن علی شافعی به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: «ابنتی فاطمه حوراء آدمیه لم تحض و لم تطمث و انما سماها فاطمه لان الله فطمها و محببها عن النار، دخترم فاطمه حورای انسیه است، حیض نشد و ناپاک نگردید و او فاطمه نامگذاری شد، زیرا خداوند او و دوستدارانش را از آتش جهنم منع کرده است.»

امام صادق - علیه السلام - از پدرانش از رسول خدا نقل می کند که پیامبر - صلی الله علیه و آله - به علی - علیه السلام - فرمود: «ای علی! آیا می دانی چرا فاطمه به این اسم نامیده شد؟ علی - علیه السلام - عرض کرد: چرا ای پیامبر خدا؟ حضرت فرمود: لانهما فطمت هی و شیعتها عن النار، چون او و شیعیانش از آتش باز داشته شده اند.»

در تعبیر دیگری آمده است: «چون فاطمه - علیها السلام - از شر و بدی به دور است، این نام برای او انتخاب شده است.» امام صادق - علیه السلام - می فرماید: «آیا می دانید معنای فاطمه چیست؟» راوی پاسخ می دهد: خیر مولایم، مرا از تفسیر آن آگاه فرمایید. حضرت فرمود: «فطمت من الشر، یعنی شر و بدی در او راه ندارد.»

برخی دیگر از القاب حضرت فاطمه (س)

صدیقه ، مبارکه ، طاهره ، زهرا

ازدواج فاطمه زهرا (س)

پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله - پس از سیزده سال سخت کوشی، تلاش در راه ابلاغ رسالت و تحمل دشواری ها، شکنجه ها و آزارها به مدینه هجرت کرد و حکومت اسلامی را بنیاد نهاد.

حضرت علی - علیه السلام - از آغازین روزهای رسالت پیامبر - صلی الله علیه وآله - همگام و همراه پیامبر خدا بود و در سال اول هجرت، بیست و چهار سال داشت. او باید ازدواج می کرد و زندگانی مشترک را آغاز می کرد.

فاطمه - علیها السلام - نه ساله است. او دختر پیامبر خداست و در جایگاهی بلند از فضایل انسانی و ویژگی های والای ملکوتی، که پیامبر خدا بارها او را ستوده و «پاره قلب» خود نامیده است.

موقعیت پیامبر - صلی الله علیه وآله - در جایگاه زعامت امت از یک سوی، و شخصیت والای فاطمه - علیها السلام - از سوی دیگر، زمینه ای بود تا کسان بسیاری - بویژه آنان که از این گونه پیوندها بیشتر در فکر رقم زدن آینده خود هستند، - به خواستگاری بروند. پیامبر - صلی الله علیه وآله - یکسر جواب رد می داد و گاه، تصریح می کرد که منتظر «قضای الهی» است.

برخی از دوستان حضرت علی - علیه السلام - و صحابیان پیامبر خدا به وی پیشنهاد کردند که به خواستگاری فاطمه - علیها السلام - برود.

حضرت علی - علیه السلام - قلبی دارد سرشار از ایمان و سینه ای آکنده از عشق؛ اما دستانی تهی و پیراسته از درهم و دینار. حضرت علی - علیه السلام - به خانه پیامبر خدا رفت، شکوه و عظمت پیامبر خدا او را از سخن گفتن باز داشت. با چشمانی آمیخته با آزر، نگاهی به پیامبر - صلی الله علیه وآله - داشت و نگاهی دیگر به زمین.

پیامبر - صلی الله علیه وآله - با تمهیداتی حضرت علی - علیه السلام - را به سخن گفتن وا داشت، و چون علی - علیه السلام - سخن گفت، فرمود: «چیزی در زندگی داری؟». جواب، معلوم بود؛ اما مگر فاطمه - علیها السلام - را همسانی جز حضرت علی - علیه السلام - و همسری لایق جز او بود؟!

ازدواج (و به تعبیر پیامبر خدا: امر الهی) تحقق یافتو آن دو بزرگوار، زندگانی مشترک را در اولین سال هجرت با مهریه ای بسیار اندک و مراسمی بس ساده و جهیزیه ای ساده تر آغاز کردند و بدین سان، شکوهمندترین خانه و نقش آفرین ترین زندگانی مشترک در تاریخ اسلام، رقم خورد.

دیدگاههای حضرت فاطمه - سلام الله علیها -

موفقیت حضرت فاطمه - سلام الله علیها - را در مسیر مادی که باید سرمشقی برای زنان جهان باشد مرهون دیدگاهی است که این بانوی بزرگ اسلامی با استفاده از اندیشه اسلامی برای خود پدید آورده و اتخاذ کرده است و ما را توان بررسی همه جانبه این دیدگاه نیست فقط با رعایت اختصار به چند نمونه آن اشاره می کنیم:

۱ - در مورد خانواده:

خانواده از دیدگاه حضرت فاطمه - سلام الله علیها - کانونی مقدس است و میزان قداست آن بحدی است که او دوست دارد تمام مدت عمر و اوقات خود را در آن بگذارند و آن را سنگری محکم در جبهه کارزار جهانی بسازد.

همه چیز از خانواده آغاز می گردد، حتی سعادت یا بدبختی یک ملت در خانواده رقم می خورد و عزت و سعادت جامعه از آنجا منشأ می گیرد. هم چنین اگر با دیدی وسیع تر نگرینسته شود جنگها و صلحها در محیط و جو خانواده تکون می یابد. و در آنجاست که کودکان، یعنی پدران فردای بشر درس ها می آموزند بدین سان اگر بنای رشدی در جامعه ای است آغاز آن باید از خانواده باشد.

۲ - در مورد فرزند:

حضرت فاطمه - سلام الله علیها - درباره فرزند این تصور و اندیشه را دارد که امانتهای خداوند در دست پدر و مادرند و والدین در برابر حفظ و رشد این امانت مسؤولند. او فرزند را بعنوان کالائی بی ارزش نمی شناسد که او را به دست الله ها و دایه ها بسپارد بلکه آنها را وجودهائی ارزنده و در خور احترام و کرامت ذاتی می شناسد که باید شخص مادر امر رسیدگی آنها را بعهده گیرد.

۳ - در مورد تربیت:

حضرت فاطمه - سلام الله عليها - امر تربیت را امری تحول انگیز، سازنده، نجات ده بشر از خطرات و عوارض می شناسد. او می داند که رمز پیشرفت و انحطاط فرد و جامعه در سایه تربیت قابل خلاصه شدن است. جامعه ای پیشرفته است که تربیت آن پیشرفته باشد و قومی منحل بحساب می آیند که تربیت آنها منحل باشد هم او معتقد است که این مادران اند که زمینه را برای بهستی شدن فرزندان فراهم می سازند (الجنه تحت اقدام الامهات [۵] و طبعاً رمز جهنمی شدن، انحراف و انحطاط فرد و جامعه هم در سایه تربیت و مخصوصاً تربیت مادران است این حقیقتی است که ما پایه های رشد و انحراف را در سایه تربیت های صواب و یا انحراف آمیز بدانیم و تاریخ نمونه های مستندی را از آن به ما عرضه داشته است.

- امر هدایت و سرپرستی زنان جدید الاسلام که از برکت حضرت فاطمه - سلام الله عليها - مهتدی می شوند ویا دیگران.

- و بالاخره کارهای دیگری که هر زنی بدان واقف است و به اصطلاح خودشان از بام تا شام در خانه می دوند ولی باز هم کارشان نیمه کاره می ماند. برای تهیه مختصر غذائی آن همه وقت می گذارند ولی باز هم مطبوع طبع آنها قرار نمی گیرد. درک سنگینی مسؤولیت او میسر نیست، مگر آنگاه که آدمی خود در شرایط آن قرار گیرد.

مصائب وارده

حضرت فاطمه - سلام الله عليها - در عمر کوتاهش با مصائب بسیار مواجه شده، مصائبی بودند که اگر بر کوه وارد می آمدند آنها را از هم می پاشانند. ما را توان آن نیست که مشکلات و مصائب او را لیست کنیم. ولی به عنوان ذکر مورد چند نمونه را معرفی می کنیم:

۱ - رحلت رسول خدا(ص):

۲ - دستبرد به حرمت ها:

۳ - آتش زدن در خانه او:

۴ - ضربات قنفذ:

۵ - غصب فدک:

۶ - نگرانی از عوام فریبی:

۷ - اهانت ها:

شهادت حضرت فاطمه(س)

در تاریخ حیات هر انسانی سه روز مهم قابل ذکر وجود دارد: روز ولادت، روز مرگ، و روز حشر و قیام.

اهمیت مسأله شهادت او:

شهادت حضرت فاطمه - سلام الله علیها - مسأله مهمی برای تاریخ حیات اسلام بحساب می آید، وسیله افشاگری عظیمی برای معرفی دشمن و آزمایش فوق العاده برای اتخاذ مواضع درباره حقایق بود. فوت او دشمن و دوست را نیکو معرفی کرد و اعتراض حضرت فاطمه - سلام الله علیها - را نسبت به دیگران نشان داد.

فاصله اش با وفات پیامبر

در فاصله زمانی شهادت او با رسول خدا - صلی الله علیه و آله - این فاصله ها ذکر شده: ۴۰ روز، ۴۵ روز، ۲ ماه، ۶ روز، ۷۲ روز، ۷۵ روز نوشته اند و این فاصله اخیر مورد تأکید مورخان شیعه است مثل ابن شهر آشوب و کلینی در اصول کافی.

بهمین علت درباره تاریخ وفات او هم اختلاف نظر است برخی آن را سیزدهم جمادی الاولی، گروهی سوم جمادی الاخر نوشته اند، تاریخ های دیگر سوم ماه رمضان، بیستم جمادی الثانی، سیزدهم ربیع الاول و... نوشته اند که دو سند اول مهمتر است.

اما سنش در حین وفات بصورت مشهور ۱۸ سال و ۲ ماه نوشته اند در حالیکه کلینی و طبری ۲۹ سال، مجلسی و زیبر بن بکار ۳۰ سال، برخی از علمای عامه ۲۸ سال، یعقوبی ۲۳ سال و... نوشته اند در کل هیچکس از ۱۸ سال کمتر و از ۳۰ سال بیشتر ذکر نکرده است.

غسل و کفن

اسماء بنت عمیس گوید فاطمه - سلام الله علیها - سفارش کرده بود که چون در گذشت کسی جزمن و امام علی - علیه السلام - او را غسل ندهد. در برخی از روایات آمده است که ام سلمه هم با او همکاری داشت. اسنادها گویند که حتی عایشه را اجازه نداد که کنار جنازه اش باشد

امام علی - علیه السلام - به ام سلمه گفت آب بریزد و آب ریخت و امام علی - علیه السلام - فاطمه - سلام الله علیها - را غسل داد و او را در وسط اطاق رو به قبله قرار داده و کفنش کرد [۲۰] و امام علی - علیه السلام - فرماید بخدا قسم او را شستم و کفن کردم در حالیکه بدنش پاک و مطهر بود. او پاک بدنیا آمد و پاک از دنیا رفت.

او فرماید به هنگامی که خواستم سر کفن را ببندم فرزندان را صدا کردم که بیایند با مادر وداع کنند. زمان فراق رسیده و دیدار بعدی در بهشت خواهد بود. فرزندان بر جنازه مادر حاضر شدند و هر کدام سخنی و مرثیه ای گفتند:

- حسن آمد که ای مادر پیش از اینکه جان از تنم بیرون رود با من سخنگوی (کلمنی قبل ان تفارق روحی بدنی).



- حسین آمد که ای مادر پیش از آنکه قلبم از کار بایستد با من حرف بزن (کلمنی قبل ان ینصدع قلبی فاموت).

- زینب آمد که یا رسول الله هنوز لباس عزای تو بر تن داریم و...

- امام علی - علیه السلام - فرمود ای دختر پیامبر چگونه خود را تسلی دهم.

- و هم او فرمود خدای را شاهد می گیرم که دستهای فاطمه - سلام الله علیها - از کفن بیرون آمد بچه هارا در بغل گرفت و بسینه چسبانید (الی اشهد الله - انها قد حنت و انت و مدّت یدیهما و ضمتها الی صدرها بکیا).

- در این هنگام ندائی از آسمان برخاست که یا علی فرزندان را از روی سینه مادر بردار، بخدا سوگند که فرشتگان آسمان را بگریه انداختند (و اذا بهاتف من السماء ینادی یا اباالحسن ارفعهما فلقد بکیا و الله ملائکه السماوات فقد اشتیاق الحیب الی المحبوب)

دفن حضرت فاطمه - سلام الله علیها -

مردم در کنار خانه حضرت فاطمه - سلام الله علیها - منتظر جنازه بودند - ابوذر به آنان اعلام کرد که حرکت جنازه به تأخیر افتاد. مردم پراکنده شدند و ابوبکر خبر نیافت تا بر جنازه اش حاضر شود. در تشیع او عمار، مقداد، عقیل، زبیر، سلمان، ابوذر، حذیفه و... بودند. و حضرت فاطمه - سلام الله علیها - را در تاریکی شب و در سکوت دفن کردند.